

شرایط جواز جراحی و نفی مسئولیت جراح

محمد عیسیٰ فهیمی*

چکیده

در آرای فقهای اسلامی مباحث متعددی در رابطه با جواز اعمال طبی و جراحی مسئولیت طیب و جراح همواره مطرح بوده است، از یکسو نمی توان اهمیت دانش طب را به عنوان یک ضرورت اجتماعی مورد نیاز مبرم مردم و نقش آن را در صیانت و حفاظت جسم انسان مورد تردید قرار داد و از سوی دیگر نمی توان مخالفت اعمال طبی و جراحی را که مستلزم تماس در جسم انسان است با اصل لزوم احترام به جسم انسان که هرگونه دست درازی به جسم انسان را ممنوع می داند.

اصل لزوم احترام به جسم انسان و ضرورت اقدامات طبی و جراح که مستلزم تعرض و تماس با جسم انسان است چگونه سازش برقرار و این دو اصل را جمع نمود؟ شرایط و قیودی که موجب اباحه اعمال طبی و جراحی می گردند کدام و تحت چه شرایطی تعرض در جسم انسان با منع مواجه نیست؟

این نوشتار در پی تبیین قیود و شرایط است که با رعایت آنها می توان حکم به جواز اعمال طبی و جراحی و نفی مسئولیت طیب نمود و به این نتیجه رسید که میان دو اصل حرمت جسم انسان و اصلی که دخالت و تصرف طیب را تجویز می کند، می توان از طریق رعایت این ضوابط سازش برقرار نمود. نگارنده در این نوشته به هشت شرط اساسی از شرایط اباحه عمل طبی و جراحی اشاره نموده و یاد آور می شود که نادیده گرفتن این ضوابط و حدود طیب و جراح را نسبت به ضرری که از اقدامات شان نشات می گیرد مسئول و ضامن می نماید.

واژه های کلیدی: جراحی، طیب، اذن طبی، مسئولیت، جواز

* ماستر فقه و معارف اسلامی، عضو هیئت علمی پوهنتون خاتم النبیین (ص)

بکارگیری دانش طب، تداوی و درمان امراض و انجام اعمال طبی بخاطر ضرورت و نیاز انسان و حفظ نوع انسانی از واجبات کفایی در شرع می باشد. حفظ حیات و سلامت انسان در زمره حقوق مشترک آفریدگار و انسان است که جنبه حق الهی آن غالب برتری بر جنبه حق الناس آن دارد و از همین رو انسان نمی تواند به قتل یا از بین رفتن عضوی از اعضای خود اقدام نماید با توجه به اجتماع هر دو جهت در مورد حق حیات و سلامت انسان هر کس به این حق تجاوز نماید هم نافرمانی در برابر خدا نموده زیرا حق آفریدگار را در حفظ حیات و سلامت انسان نادیده گرفته و توان او را برای انجام تکالیف شرعی که بر او واجب است از بین برده است و هم احترام انسان را نادیده گرفته است. جواز و اباحه تصرف در جسم انسان مستلزم اجازه خود انسان است آدمی به عنوان مخلوق خداوند چه زنده و چه مرده آن از کرامت و احترام برخوردار می باشد و قتل انسان جز بواسطه حق از نظر شریعت اسلامی حرام است و برای مرتکب قتل و جرح عمدی هم از نظر اخروی و هم از نظر دنیوی مجازات های در نظر گرفته شده است اهمیت حمایت شرع از حق صیانت و سلامت حتی پیش از تولد انسان و حتی صورت وقوع قتل و جرح خطایی را نیز در بر می گیرد که بر این اساس علت تجویز اقدامات طبی و جراحی که متضمن تصرف در جسم انسان است وجود فوایدی برای فرد و جامعه و توجه به مصلحت انسان و شرع دانسته می شود این جواز و اباحه شرعی تا زمانی است که اقدامات طبی در چارچوب ضوابط و شرایط معینی صورت گیرند شرایطی که عدم انحراف طیب را از هدف اباحه عمل طبی تضمین می نمایند در نوشتار پیش رو پس از توضیح اندکی در مورد واژه های کلیدی بحث شرایطی که وجود آنها برای جواز اقدامات طبی لزوم و موجب حکم شریعت به جواز اعمال طبی و عدم مسئولیت اطباء می گردد بحث خواهد شد آنچه محل بحث ماست همین نکته و در مواردی بحث نفی مسئولیت جراح که بخشی از بحث کلی (ضمان طبی) در فقه است مطرح نمی شود به هیچ وجه بحث ضمان طیب بصورت عام که شامل موارد فراوانی است مطرح نمی باشد.

توضیح واژه ها

۱. جراحی، جراحی، این واژه ها ریشه واحدی دارند از جرح اشتقاق یافته به معنای پاره شدن شکافتن برخی اجزاء بدن، اثر سلاح و نیز به معنای عیب و نقص می باشد که معنای اخیر معنای مجازی و معانی نخست معانی اصلی و با موضوع مورد نظر ما (عملیات جراحی) هم سازش هم خلاقی دارد (حمد حمد، الاحکام الشرعیه فی ضلاء المستجدات الطبیعه و البولوحیه العصریته: ۱۴۳۱ه/ ۱۳۲۲) و در شناسایی جراحی (Suger) گفته شده مهارتی از مهارتهای طبی است که بواسطه آن بیماری ها از طریق جداسازی، اصلاح و انتقال عضو درمان می گردد. (کنعان، الموسوعه الطبیه الفقیه، ۱۴۳۱ه: ۲۰۷/) توضیح! درمان بیمار از طریق جراحی یا با جدا کردن عضوی از بدن بیمار است مانند جداسازی اعضای زاید در صورتی که دارنده عضو از ناحیه عضو زیادی متضرر گردد یا با اصلاح و ترمیم اجزای جسم بیمار که در موارد آسیب دیدگی چنین است و یا درمان از طریق جراحی با انتقال عضو از شخص اهداء کننده یا شخص وفات یافته و کاشتن آن در بیمار صورت می گیرد. (حمد، همان/ ۱۳۴) اقدامات طبی مزبور از این جهت که اتکا به ایراد جرح، شکافتن و دوختن جسم بیمار دارد جراحی خوانده می شود و جراح هم عبارت از طیب متخصص است که عملیات جراحی را اجراء می کند جراح را بدین نام می خوانند زیرا اعمال او موجب ایجاد جراحی های در بدن بیمار می گردد.

(کنعان، پیشین/ ۲۱۲)

۲. مسئولیت طبی: مقصود از این عنوان که در اصطلاح فقهی به (ضمان) تعبیر می شود پذیرش عواقب و پیامدهای مدنی - کیفری اعمال طبی از سوی طیب و کلیه کسانی است که در اثر اشتغال آنان به حرفه طبابت ضرری نسبت به بیمار پدید می آید ضررهایی مانند از بین رفتن عضوی از بیمار یا تعطیل شدن وظیفه ای وظایف اعضای او یا به وجود آمدن آسیب و تشدید بیماری یا فوت بیمار که بخاطر حفظ حقوق، رعایت تعهدات، جبران ضرر کیفر جانیان این مسئولیت و ضمان در اسلام تشریح شده است. (پیشین/ ۸۱۸)

۳. اذن طبی (Medical- Consent) عبارت از موافقت بیمار نسبت به اجرای اموری که طیب مناسب و به صلاح مریض می داند مانند انجام اقدامات آزمایشگاهی، و سایر اقدامات طبی که برای تشخیص و علاج مرض لازم است (پیشین/۴۵).

واژه های دیگر به کار رفته و در بحث ضرورتی به توضیح ندارد از همین رو با شمردن شرایطی که وجودشان سبب جواز و اباحه اعمال طبی و جراح و نفی مسئولیت جراح می گردند بحث را پی گیری و حدود معین اباحه اعمال طبی و جراحی را بر جسم انسان را توضیح می دهیم.

ضرورت شرعی عمل جراحی

نخستین و مهم ترین شرط اباحه عمل جراحی و عدم مسئولیت طیب جراح وجود ضرورت شرعی نسبت به موردی است که عمل جراحی روی آن صورت می گیرد. جراحی های طبی انواع مختلفی دارند برخی از آنها بر اساس نصوص شرعی جایز و برخی از آنها به گونه ای هستند که طیب از سوی شرع ماذون به انجام آن نیست هر چند ماذون از سوی شخص متقاضی می باشد. زیرا بر اساس باورهای دینی مالک حقیقی جسم انسان خداوند و انسان حق تصرف در ملک خداوند جز پس از اذن مالک حقیقی ندارد از همین رو انسان نمی تواند به اقدامی در مورد جسم خود دست یابد یا به دیگران اجازه اقدامی را بدهد که شرع آن را تجویز نکرده است. بر همین اساس برای اجرای جراحی طبی هم اجازه شریعت و هم اجازه انسان لازم است و تنها اجازه انسان برای جواز انجام عمل جراحی کفایت نمی کند. (ابراهیم، سراقه الاعضاء بالجراحة الطیبه و احکام القصاص المترتبة علیها الفقه الاسلامی.

(۱۴۵/۵:۱۴۲۶)

حق سلامت جسم و زندگی سالم از حقوق مشترک میان انسان و آفریدگار او است و افراد همانگونه که به قتل انسانی ایراد جراحی و قطع عضوی از اعضای انسان دیگر بدون وجود ضرورت شرعی مجاز نیستند مجاز به انجام چنین اموری بدون وجود ضرورت شرعی (قتل، قطع و اتلاف عضو) نسبت به خودشان هم نمی باشند زیرا القای نفس در هلاکت محسوب می شود که صریحاً مورد نهی و ممنوعیت در شرع واقع شده است.

(شرف الدین، الاحکام الشرعیه لاعمال الطیبه، ۱۴۰۳: ۲۶)

وجود شرط ضرورت و رجحان شرعی برای جواز انجام عمل جراحی موجب شده تا صاحب نظران فقهی بسیاری از جراحی های زیبایی را که امروزه رواج دارد و با ضرورت شرعی قابل توجیه نیست و صرفاً شبه ضرورت عرضی در مورد آن وجود دارد محکوم به عدم جواز نمایند از همین رو فرموده اند ((اگر چنانچه ضرورت شرعی چنین جراحی ها را اقتضا داشته باشد جراحی جایز و در غیر آن جایز نیست)) (شیرازی، المسائل الطیبه، ۱۴۲۸: ۸۷)

فقیهان عدم جواز انجام جراحی در غیر موارد ضرورت شرعی قابل توجیه را از مصادیق اضرار به نفس ارزیابی و دلیل تحریم جراحی را در مورد غیر ضروری یقین به عدم رضایت شارع ذکر نموده اند.

لذا فرموده اند که اتلاف اعضای مهم بدن مانند قطع دست و پا و ... نظایر آن که یقین داریم شارع به آن راضی نیست، ضرر زدن به نفس بوده و محکوم به عدم جواز می باشد.

(محسنی، فقه و مسایل طیبه، ۱۳۸۲: ۱۵۹/۱ برای اطلاع بیشتر از جراحی های که شرعاً جایز است یا جایز نیست همین کتاب ص ۱۷۶ مراجعه شود.)

حاصل آنکه در همه مواردی که از مصداق شرع عدم رضایت شارع فهمیده می شود می توان حکم به تحریم عمل جراحی و طبی صادر و گفت اعمال طبی و جراحی در آن موارد جایز نیست.

اهلیت و صلاحیت طبیب جراح

از شرایط جواز اقدامات طبی و جراحی و نفی مسئولیت طبیب آشنایی طبیب نسبت به اصول ثابت و قواعدی است که هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی میان طبیبان متعارف و معمول اند آشنایی به اصول و قواعد حرفه ای برای انجام اقدامات طبی برای هر طبیبی لازم و ضروری و از عوامل انتفای مسئولیت هم در حرفه طبابت و هم در سایر حرف و مشاغل بشمار می رود از همین رو اگر ضروری از ناحیه اقدامات طبی پدید آید در صورتی که اقدام با آشنایی و مطابق با اصول معتبر و مسلم اهل حرفه ای طبابت صورت گرفته باشد طبیب ضامن نیست. (کنعان/۸۲۲)

طیب معالج خواه به تشخیص بیماری بپردازد و خواه به توصیف و تجویز دارو پرداخته و یا اقدام به جراحی نماید باید نسبت به حرفه ای خودش برخوردار از آگاهی و صداقت باشد و در غیر این صورت ضامن است و به همین جهت فقها به صراحت جواز اشتغال به طبابت را مشروط به آگاهی و مهارت و صلاحیت علمی و عملی نموده اند و فرموده اند هر کس به طبابت اقدام ولی نسبت به مسایل طبی جاهل یا معلومات کافی و درست نداشته باشد متعدی محسوب شده و ضامن است زیرا چنین فردی از نظر شرعی ماذون به مبادرت به اعمال طبی نیست و بر علاوه با ادعای طبابت موجب فریب مریض شده که این فریب دهی خود مسئولیت آفرین است. (شرف الدین، همان/۴۶،۴۷)

مقصود از اهلیت و صلاحیت طیب هم علم و آگاهی طیب نسبت به طبابت و جراحی است که اجرا می کند و هم آنکه طیب توان اجرای طبابت بر وجه مطلوب و براساس اصول حرفه ای متعارف در نزد اهل تخصص را داشته باشد و در صورت فقدان این اهلیت اقدامات طبی او شرعا حرام و موجب ضمان و مسئولیت است زیرا تصرف در اعضای بیمار و انجام عمل جراحی مانند قطع عضوی از بیمار از سوی فرد فاقد اهلیت بدون آگاهی در مورد جراحی که اجرا می شود نوعی جنایت است که شخص مدعی طبابت باید تاوان آن را ضامن باشد و وجود اهلیت طیب برای انجام اعمال طبی و جراحی معمولا پس از تجربه عملی که اساتید فن به آن گواهی دهند امکان پذیر است و لذا می توان گفت مقصود فقها از علم و آگاهی که در طبابت شرط و باعث جواز اعمال طبی می گردد این است که طیب چنین اجازه ای را از متخصصین داشته باشد و بر علاوه چند نوبتی موفقانه این نوع عمل طبی و جراحی را با حضور اساتید و کارشناسان عرصه طبابت سپری نموده باشد صرف معلومات بدست آمده برای شخص از طریق کتاب های طبی کافی نیست. از مسایلی که مربوط به توان اجرا و تطبیق آگاهی های طبی است آنکه طیب و جراح خودش از وضعیت مناسب صحی برخوردار باشد بنابراین اگر جراح خودش مصاب به بیماری باشد که مهارت و ادراک انجام درست اعمال طبی را از سوی او تحت تاثیر قرار داده و با تردید مواجه می سازد و با به لحاظ شرایط سن در موقعیتی از عمرش باشد که بر مهارت و حرفه ای او تاثیر دارد به گونه

ای که بیم ایجاد ضرر نسبت به بیمار می رود به دلیل تردید در توانایی او باید گفت او حق انجام اقدامات طبی را ندارد.

فقههای معاصر نیز بر خورداری طیب را از اهلیت علمی و عملی تناسب با حرفه ای طبابت از مهم ترین اسباب نفی مسئولیت طیب دانسته اند فرموده اند ((اگر طیب صلاحیت علمی لازم را برای معالجه بیمار نداشته باشد نباید اقدام نماید چنانچه در اثر معالجات وی آسیبی به بیمار وارد آید ضامن است آری در صورت ضرورت معالجه اگر ارجاع به طیب دیگر ممکن نباشد معالجه با هر دارویی که احتمال مفید بودن آن بیشتر است مانع ندارد و با اخذ براءت ضامن نیست)) (منتظری، احکام طب، ۱۴۲۷: ۵۲/)

از نظر فقهی اقدامات طب طیب در غیر رشته تخصصی خود که نسبت به آن آگاهی لازم را ندارد و باعث تشدید بیماری یا بروز عارضه ای جدید یا فوت بیمار می گردد و موجب ضمان دانسته شده است (مکارم شیرازی، احکام طب، ۱۴۲۹: ۱۵۳/)

و در رد نظر به آن عده از فقها که تخصص را لازم ندانسته و برای معالجتداوی بیمار را با تجارب عادی کافی می داند می فرماید ((عدم اعتبار تخصص در درمان های است که با گیاهان دارویی صورت می گیرد اما درمان با داروهای کیمیای آنان حرام است)) (محسنی، همان، ۲۱/۱)

بر اساس آنچه بیان گردید فقدان کفایت و صلاحیت علمی، رعایت نکردن اصول و قواعد طبی، تقصیر و بی دقتی در انجام عمل طبی اقدام بی باکانه نسبت به جسم و جان بیمار فریب او تلقی و نتیجه آن مسئول بودن مدعی طبابت از نظر شرعی بخاطر این اقدامات است. (عاید الدیاتف عملیات نقل وزرع الاعضا) بشریه بین الشرع و القانون، ۱۹۹۹م: ۳۷/)

اذن و موافقت بیمار

موافقت و اجازه بیمار به دخالت و اقدامات طیب در جهت درمان او از شرایط دیگری نفی مسئولیت طیب بشمار می رود بنابراین اگر طیب حاذق با اذن معتبر شرعی و بدون سهل انگاری در حدودی که اجازه داشت اقدامات طبی را انجام داد چنانچه زیان های متوجه بیمار شود طیب ضامن نیست زیرا او عمل مباحی را انجام داده که نسبت به آن ماذون بوده

است اما اگر بدون اذن و رضایت مریض اعمال را انجام دهد که به نابودی یا ایراد عیب در بیمار بیانجامد طیب ضامن اقدامات خود می باشد. (کنعان، همان/۸۲۲)

موافقت با اقدامات طبی یا از سوی خود بیمار در صورت اهلیت یا از سوی ولی او در فرض عدم اهلیت صورت می گیرد برخی از نویسندگان معاصر اهل سنت مبنای فقهی این مطالب را که رضایت مریض مستلزم اباحه عمل طیب و جراح می گردد و بر عدم جواز اجبار بیمار بر عمل جراحی فتوا داده اند و موافقت مریض را شرط جواز اجرای جراحی داشته اند ناشی از وجود عقد و قرار دادی میان طیب و بیمار می دانند و روشن است که قوام در عقدی وابسته به توافق اراده دو طرف قرار داد می باشد از همین رو به زور واداشتن شخص را برای معالجه او تجویز نمی کنند. (شرف الدین، پیشین: ۵۰)

پس هر گاه طیب یا جراح بدون اذن و موافقت مریض و بدون ضرورتی اعمال طبی را نسبت به بیمار انجام دهد عمل طیب و جراح از دایره جواز و اباحه خارج و در دایره تعدی و تجاوز و از حیطة عقد بیرون و طبعاً طیب مسئول خواهد بود. (پیشین: ۵۱)

انواع اذن

اذن و موافقت بیمار به دو گونه خاص و عام صورت می گیرد. اذن خاص موافقت بیمار یا ولی او به اجرای عملی طبی محدود و مشخص است مانند ختنه یا درمان التهابی که در بدن بیمار است. اذن عام، عبارت از موافقت بیمار یا ولی او به انجام هر گونه اعمال طبی است که خود طیب مناسب و به صلاح بیمار می بیند ذکر این تقسیم به این جهت است که اگر طیب به اذن خاص شروع به عملیات جراحی نمود اما در اثنای جراحی خودش را مضطر به اجرای جراحی دیگری دید آیا باید مجدداً اذن و موافقت ولی بیمار را کسب نماید فقهای اهل سنت در صورت حضور ولی بیمار کسب اجازه را لازم دانسته اند اما در غیر صورت حضور ولی بیمار طیب با توجه به وضعیت مریض تصمیم بگیرد اگر مریض در وضعیتی باشد که تاخیر و معطلی در اجرای جراحی مریض را تهدید به مخاطره می کند طیب می تواند جراحی را آنگونه که خود صلاح می داند به اتمام برساند اما در عین حال بر طیب لازم است که دلایل خود را که ماذون نبوده در پرونده بیمار نوشته و ثبت نماید. (کنعان،

پیشین: ۴۹

از فتاوی فقهای شیعه نیز جواز اجرای جراحی دیگر یا اعمال طبی استفاده می شود که موفقیت عمل طبی ماذون متوقف بر آن است و لذا فرموده اند ((در مواردی برای درمان بیمار طیب ناچار به ایراد لطمه ای دیگر به بیمار می شود به عنوان مثال برای احیای قلب بیمار سخته کرده ماساژ می دهد که منجر به شکستن دنده ها می شود یا برای تحریک رفلکس بیمار به او سیلی می زند و پرده گوش پاره می شود آیا در موارد مثابه فوق طیب ضامن است؟ ج با عدم امکان اخذ برائت و توقف معالجه بر آن و اکتفا به مقدار ضرورت ضامن نیست. (ما علی المحسنین من سیل) (منتظری، پیشین: ۵۳)

موارد عدم لزوم اخذ موافقت بیمار

با اینکه موافقت و اذن بیمار ولی او برای انجام اعمال طبی و جراحی لازم است اما در مواردی ضرورتی به دست یابی چنین موافقت لازم نیست این موارد عبارتند از:

الف: وجود مصلحت عمومی! اگرچه چنانچه امراض خطرناک و ساری وجود داشته باشد که سلامت عمومی جامعه را تهدید می نماید مانند انتشار وباء نهادهای صحی شرعا اجازه دارند که افراد و گروه ها را اجبار به درمان و یا آنان را مجبور به اقدامات وقایوی و پیش گیرانه نمایند و طیب می تواند به دلیل دفع مفسده از جامعه بدون اذن مریض به درمان و نجات جان بیمار یا بیماران اقدام نماید (کنعان، پیشین/۴۷)

ب: حالات عاجل! از موارد عدم لزوم اخذ موافقت بیمار مواردی است که بیمار وضعیت خطرناکی داشته باشد که حیات او یا از بین رفتن عضوی از اعضای در معرض مخاطره و تهدید باشد و بیمار بی هوش یا آنکه حالات روانی او مساعد برای اخذ اذن نیست یا ولی مریض حضور ندارد و این گونه موارد نیازی به موافقت بیمار یا ولی نیست (کنعان، پیشین/۴۷)

فقهای معاصر شیعه وضعیت اورژانسی بیمار را از موارد عدم لزوم اخذ موافقت ولی بیمار شمرده و فرموده در حوادث ترافیکی یا خون ریزی شدید و امثال آن که ضرورت به اقدامات جراحی فوری دارد و راه نجات مصدوم منحصر به عمل جراحی است ولی حضور ندارد یا

ولی بیمار حضور دارد اما به دلایل غیر منطقی مانند عدم قناعت به جراح یا شفاخانه یا آنکه بنا بر نظر شخصی ضرورتی به اجرای عملیات جراحی نمی بیند در تمام این موارد نجات جان بیمار واجب و نیازی با اذن ولی نیست و حتی اگر ولی مصدوم اطباء را از اجرای عمل جراحی منع هم نماید منع ولی بیمار هیچ اثری ندارد. (فیاض، پیشین: ۴۹)

دلیل بر استثنای موارد نام برده شده از اصل لزوم موافقت مریض یکی وجود ضرورت است که بر اساس قاعده فقهی ((الضرورات تبیح المحضورات)) مبتنی است و دیگر آنکه عرف و مصلحت اقتضای چنین استثنائاتی را دارد ((اشرف الدین، پیشین: ۵۰)

عدم لزوم موافقت کتبی

آیا موافقت و اذن مریض یا ولی او باید به صورت تحریری و کتبی صورت گیرد؟ از نظر قانونی در برخی از قوانین طبی صرف مراجعه و ورود بیمار در شفاخانه و نزد طبیب دلیل بر موافقت و اذن بیمار تلقی می شود که بر اساس آن طبیب می تواند مطابق عرف طبی مورد توافق آنچه را از اعمال طبی مناسب و به صلاح مریض می داند اجراء نماید اما اکثر قوانین طبی که در دنیا مطابق آن رفتار می شود موافقت کتبی مریض یا ولی او را در مواردی که نیاز به دخالت و تصرف در جسم مریض است شرط می دانند (مانند نمونه گیری از خون، اجرای جراحی، قرار دادن بیمار در معرض وسایل تشخیصی که دارای آثار جانبی هستند مانند تصویر برداری با اشعه یا خواندن برخی مواد به منظور درمان و تشخیص) چون این نوع اعمال طبی همراه با پیامدهای هستند که طبیب را در موضع مسئولیت قانونی قرار می دهد و لذا لازم است که مریض یا ولی او اذن موافقت کتبی را امضاء نماید (کنعان، پیشین: ۴۹) چنانچه ملاحظه گردید شرط احتمال موفقیت جراحی و بهبود بیمار از شرایط مورد تاکید فقها بوده که با اقتضای این شرط جراحی محکوم به عدم جواز و طبیب جراح در اجرای جراحی مسئول پنداشته می شود.

احتمال موفقیت جراحی و بهبودی بیمار

از شرایط شرعی معتبر دیگری که جواز جراحی و نفی مسئولیت طبیب به آن مقید شده است احتمال موفقیت جراحی و بهبود بیمار است به این معنا که جراح گمان غالب داشته باشد که نتیجه جراحی او بهبود یافتن مریض است اما اگر طبیب جراح گمان غالبش بر از بین رفتن

بیمار بواسطه جراحی می باشد انجام جراحی از سوی او جایز نمی باشد با توجه به اینکه جراحی بر حسب اهمیت عضو مصاب به بیماری خطرانی متفاوتی را می تواند در پی داشته باشد مثلا جراحی های درونی مانند قلب، اعصاب، مغز و ... مخاطرات شدیدتری را غالبا از سایر جراحی ها دارد شریعت اسلامی انجام جراحی را که طیب گمان غالب بر از بین رفتن بیمار داشته باشد تجویز نمی کند زیرا تجویز جراحی در چنین شرایطی مخالف با اهتمام شرع نسبت به حفظ نفس است. (ابراهیم، پیشین: ۱۵۱ و ۱۵۲)

به دلیل اهمیت این شرط فقهاء در موارد متعددی از بحث احکام شرعی جراحی و ضمان طیب این شرط را یاد آوری و تاکید نموده اند یکی از فقهاء در جواب این سوال! ((استخوان پای شکسته است چنانچه عمل جراحی روی پای وی انجام ندهند تا پایان عمر زمین گیر شده و با درد و رنج باید بسر برد و اگر عمل کند احتمال بهبودی داده می شود بفرمائید! الف: با چند درصد احتمال بهبودی تکلیف وی اقدام به عمل می باشد.

ب: چنانچه عمل و شرایط به گونه ای است که احتمال مرگ هم بعید نباشد بفرمائید با چند درصد احتمال مرگ وظیفه ترک عمل می باشد)) پاسخ داده (با احتمال بهبودی عقلایی عمل واجب و با احتمال عقلایی خطیر جانی اقدام مشکل است). (منتظری، پیشین/ ۱۳۷)

قصد علاج از سوی جراح

هرچند به عقیده برخی سبب مسئول ندانستن طیب نسبت به خطاهای که در اثر اشتغال به حرفه طبابت از او سر می زند فقدان قصد و انگیزه جنایی دانسته شده است زیرا طیب از اقداماتی که روی بیمار انجام می دهد قصدی جز معالجه بیمار ندارد (دیات، پیشین: ۶۱) با این هم در مواردی می توان گفت که طیب قصدش از عمل جراحی علاج نبوده بلکه در پی تحقق مقاصد دیگری غیر از درمان است که در این صورت مسئول شناخته می شود (عبدالغنی، پیشین/ ۶۳)

آنچه باعث نفی مسئولیت و جواز جراحی می گردد بر اقدام علاج مریض و به طور عام در نظر داشت مصلحت مشروعی باشد که در واقع علت جواز اقدامات طبی از سوی شرع می باشد (شرف الدین، پیشین: ۴۸)

پس معالجه و درمان هدف اساسی جراحی است و اطباء جراحی را حرفه ای می دانند که هدف از آن تخفیف و تسکین دردها و بهبود یا مراض است و هرگاه عبارت ((عمل جراحی)) به صورت مطلق ذکر می شود معمولا جراحی به ذهن انسان خطور می کند که با هدف درمان صورت می پذیرد و سایر جراحات که ممکن است به منظور رعایت مصلحت مشروعی هم صورت گرفته باشد مانند ختنه و جراحی های زیبایی مورد ضرورت به ذهن خطور نمی کند. (ابراهیم، پیشین/ ۱۵۲ و ۱۵۳)

پس هرگاه طبیب جراحی را نه به منظور درمان بیماری بلکه به هدف دیگری اجراء می نماید مسئول می باشد مانند قطع عضوی از چند شخص بخاطر معافیت از خدمت عسکری اجباری که جراح مسئول شناخته می شود برخلاف موردی که قطع عضو بخاطر نجات جان شخص صورت گیرد که طبیب مسئول نیست و باز طبیب در برابر آن دسته از اعمال جراحی مسئول است که منظور اکتشاف علمی بدون قصد درمان مریض صورت می گیرد اما برای طبیب جایز است که عمل معین جراحی را روی بیمار انجام دهد و به هدف تجربه آموزی برای درمان به شرط آنکه مزایای این جراحی بیشتر از ضررهای آن یا حداقل از ضررهای بیمار دچار بیماری دیگری نگردد که ضرورت بیشتر از بیماری باشد که او به آن مصاب و شاکی بود (شرف الدین، پیشین: ۴۹)

رعایت اصول و قواعد حرفه ای

التزام طبیب و جراح به اصول و قواعد حرفه ای از شرایط دیگری جواز جراحی و اعمال طبی و نفی مسئولیت طبیب بشمار می رود مقصود از اصول و قواعد حرفه ای رعایت تعدادی از اصول و مقررات ثابت طبی است که علم طب همانند سایر فنون و علوم مشتمل بر آن بوده و اصل علم طب آنرا پذیرفته و در فرآیند اعمال طبی انتظار رعایت آن اصول و قواعد را از طبیب دارند این اصول و قواعد برخی جنبه علمی و برخی جنبه عملی دارند. افزایش و به روز بودن معلومات، اطلاع از دستاوردهای علمی در تمام زمینه های علوم طبی، برگزیدن روشهای درمانی مناسب با وضعیت بیمار و ... از اصول و قواعد حرفه ای هستند که جنبه ذهنی و علمی دارند کمک گرفتن از شیوه های علمی و ابزارها پیش از شروع مستقیم درمان

و در هر مرحله درمانی، پی گیری وضعیت بیمار تا تکمیل شدن درمان از اصول و قواعد ثابت حرفه ای طبابت هستند که جنبه عملی دارند.

(ریاض ضا، المسئولیه المدینه الاطباء و الجراحین، (۲۰۱۱م / ۱۴۰))

رعایت اصول و قواعد حرفه ای بر طبیب واجب و لازم است که اعمال طبی یا جراحی مطابق روش معمولی یعنی موافق با قواعد رایج اهل فن و حرفه ای طب باشد از همین رو اگر طبیب اقدامی را انجام دهد که سایر طبیبان مثل او آن اقدام را انجام نمی دهند طبیب ضامن است اما بعضی از فقها برای طبیب جایز دانسته که درمان مریض مطابق اجتهاد و نظر شخصی خودش عمل نماید حتی اگر رای او مخالف با رای سایر اطباء باشد در صورتی که رای او براساس صحیح آنها یافته باشد آنچه از طبیب بنا به تعبیر فقها انتظار می رود حاذق بودن طبیب و رعایت قواعد حرفه ای و بذل عنایت و توجه معمول در ارتباط با تشخیص و درمان بیماری است. (شرف الدین، پیشین: ۴۹)

فقهای معاصر بی اعتنایی و بی پروایی طبیب را در تفحص از وضعیت بیمار مانند عکسبرداری، انجام ندادن آزمایش های لازم و متعارف، اکتفا به تفحص عادی و ... را از موجبات ضمان و مسئولیت طبیب بر شمرده اند. (مکارم شیرازی، قراءات فقیهه معاصره، ۱۴۲۳ه / ۲۴)

زیرا نادیده گرفتن اصول و قواعد حرفه ای از سوی طبیب تلقی می شود به همین خاطر اگر جراح در اجرای عملیات جراحی در صورتی که پیوسته قواعد علمی و حرفه ای طبابت را رعایت نماید در برابر روش اجرای عملیات مسئول نیست. (عبدالغنی، پیشین، ۲۰۱۱م / ۶۸)

مستفاد از رای فقها ضرورت رعایت اصول و قواعد حرفه ای است و لذا در پاسخ این پرسش که آیا بر طبیب شرعا لازم است که در درمان بیمار همان روشی را دنبال نماید که در کتب مورد اعتماد طبی بدان تصریح شده یا نهادهای طبی جهانی آن روش را توصیه نموده اند که نتیجه بررسی های عمیق و طولانی از سوی آنان است یا می تواند روش مخالف با آنچه در این کتاب ها در آمده در پیش گیرد به دلیل اینکه او شخصا به این کتاب ها قناعت ندارد با خود راه درمان دیگری را یکی دو بار تجربه نموده و موفق هم بوده است با

اینکه می‌داند این روش او مستند به بررسی‌ها و براساس علمی دقیق نیست؟ پاسخ داده‌اند که برای طیب اجتهاد در روش درمانی که درمان بیمار به او وابسته است مانند آزمایش‌ها و ... به دقت انجام دهد (فیاض، پیشین/۴۱)

از نظر فقهاء اطلاع و آگاهی از آخرین دستاوردهای علمی برای فردی که به طبابت می‌پردازد یک واجب شرعی است لذا در پاسخ سوال دیگری که آیا بر طیب پس از فراغت از دانشکده طب شرعا واجب است که کتابهای جدید طبی را به منظور آگاهی از آخرین پیشرفت‌ها در مورد وسایل درمانی و تشخیص بخواند تا بتواند خدمات بهتری را برای بیماران مسلمان و حفظ حیات آنها ارائه نماید؟ جواب داده‌اند که اگر طیب خواسته باشد کار طبی انجام دهد اطلاع از آخرین دستاوردهای علمی در مورد درمان و ابزار تشخیص بیماری شرعا بر او لازم است تا در ادای وظیفه طبی خود شرعا مقصر تلقی نگردد. (فیاض، همان/۱۰۳)

جمع بندی

از مجموع مطالب مذکور و شرایطی که در مورد التزام طیب و جراح در اعمال طبی و جراحی بیان گردید می‌توان نتیجه گرفت که اصل حرمت جسم انسان و عدم جواز تصرف و دخالت در آن یک اصل مطلق و استثناء ناپذیر از نظر شرعی نیست بلکه اصلی است استثناء پذیر که در حدود معین اقدامات طبی و جراحی بر جسم انسان و حتی تشریح جسم او جایز است موارد استثناء و شرایط آن در شریعت بیان گردیده و طیب و جراح با رعایت آن شرایط موجب ایجاد مسئولیت و سبب حکم به تحریم اقدامات طبی می‌باشد این شرایط که در مورد خیلی از اقدامات طبی قابل تطبیق‌اند برخی مربوط به معالج و برخی مربوط به بیمار می‌باشند هرچند که عمدتاً در بحث اعمال طبی به ویژه جراحی ذکر گردیده‌اند.

منابع

- ۱- حمد حمد، شیخ جهاد، الاحکام الشرعیه فی ضوء المستجدات الطبیته و البیولوجیه العصریه (دارالمعرفه، بیروت - لبنان چاپ اول ۱۴۳۱هـ)
- ۲- کنعان، احمد محمد، الموسوعه الطبیته الفقیهه، دارالفنایس، بیروت - لبنان چاپ سوم ۱۴۳۱هـ.
- ۳- ابراهیم، محمد یسری، سرقة العضاء بالجراحه الطبیته و احکام القصاص المترتبه علیها فی الفقه الاسلامی، دار طیبته الخضراء، مکه مکرمه چاپ اول ۱۴۲۶هـ.
- ۴- شرف الدین، احمد، الحکام الشرعیه الاعمال الطبیته، المجلس الوطنی للثقافه والفنون و الاداب کویت. ۱۴۰۳هـ
- ۵- شیرازی، سید محمد صادق، المسائل الطبیته، یاس الزهراء (س) قم - ایران چاپ دوم ۱۴۲۸هـ.
- ۶- محسنی، محمد آصف، فقه و مسایل طبیته، بوستان کتاب قم چاپ اول ۱۳۸۲ ش
- ۷- منتظری، حسین علی، احکام طب، نشر سایه، قم چاپ سوم ۱۴۲۷هـ.
- ۸- فیاض، محمد اسحاق، المسائل المتحدته، منشورات العزیزیه - لبنان - بیروت
- ۹- عاید الدیات، سمیره، عملیات نقل و زرع الاعضاء البشريه بین الطرع و القاتون، دارالثقافه، بیروت لبنان چاپ اول ۱۹۹۹م.
- ۱۰- عبدالغنی، ایهاب مصطفی، نقل و زراعه الاعضاء، دارالفکر الجامعی، اسکندریه چاپ اول ۲۰۱۱م.
- ۱۱- ریاض ضا، منیر، المسئولیه المدینه الاطباء و الجراحین، دارالفکر الجامعی اسکندریه چاپ دوم ۲۰۱۱م.
- ۱۲- مکارم شیرازی، ناصر قراءات فقیهه معاصره، ۱۴۲۳هـ
- ۱۳- لنگرانی، محمد فاضل موحدی، احکام طبیان و بیماران
- ۱۴- احمد، حسام الدین، المسئولیه الطبیته فی الجراحه التعملیته، منشورات الحقوقیه بیروت لبنان چاپ اول ۲۰۱۱م
- ۱۵- مکارم شیرازی، ناصر، احکام طب، انتشارات مدرسه امام علی (ع) قم - چاپ اول ۱۴۲۹هـ.